

## تحلیل جرم‌شناسی خشونت در زندان‌های افغانستان

محمد امین ادیبی<sup>۱</sup>

سید محمد علی رضوی<sup>۲</sup>

### چکیده

هر اجتماعی در کنار پیشرفت‌هایی در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، محل آستن اعمال مجرمانه است که ناگزیر به تحمل آن‌ها است؛ اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که هنگام مجرم در دام قانون می‌افتد و نهایتاً در زندان می‌افتد، باید حقوق اساسی زندانی رعایت شود. در قوانین افغانستان مخصوصاً در قانون زندان‌های افغانستان قواعد و اصول تضمین‌کننده حقوق زندانی، پیش‌بینی شده است. در این تحقیق خشونت در زندان‌های افغانستان را از منظر قوانین جزایی مخصوصاً قانون زندان‌های افغانستان به صورت دقیق و علمی بررسی شده است. هدف تحقیق بررسی حقوق زندانیان در قوانین افغانستان و قرار دادن آن در اختیار نهادهای عدلی و قضایی افغانستان است تا حقوق زندانیان تأمین گردد. این پژوهش از نظر ماهیت توسعه‌ای و از نظر روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. ارزیابی اصل منع خشونت علیه زندانیان، عوامل خشونت در زندان‌ها اصل مردسالاری، تبعیض جنسیتی، عوامل پیش‌گیری از جرم، آگاهی زندانیان از حقوقشان، مبارزه با فساد اداری، تقویت نهادهای نظارتی و تقویت نهادهای رسیدگی به شکایات زندانیان، یافته‌های این پژوهش است.

**کلیدواژه‌ها:** جرم، جرم‌شناسی، خشونت، شکنجه، محبس، زندان‌های افغانستان

۱. گروه جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

ایمیل: mohammaminadibi3@gmail.com

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزشی عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان.

## مقدمه

انسان بر اساس طبیعت خود دنبال ارزش‌هایی انسانی است و برای دوام، توسعه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تأمین آسایش عمومی به نظم و امنیت نیاز دارد. پدیده جرم یک پدیده ضد ارزشی است که بر اثر زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی برخی از انسان‌ها اتفاق می‌افتد و از دیگر سو نظم و امنیت تنها می‌تواند از طریق سازوکار قانونی در جامعه تأمین گردد؛ اما اجرا و عملی‌سازی قانون نیازمند ضمانت اجرایی است که یکی از مهم‌ترین، مؤثرترین و شایع‌ترین ضمانت‌های اجرایی در سراسر جهان «حبس» است. البته به شرطی با رعایت حقوق انسانی زندانیان بر طبق قوانین کشور و قوانین بین‌المللی باشد.

زندانی دارای حقوقی است که باید در زندان و دوران حبس، این حقوق از جانب نهادهای عدلی و مسئولین زندان‌ها مراعات شود تا هیچ‌کسی بی‌گناه زندانی نشود و مورد خشونت قرار نگیرد. رعایت کرامت انسانی زندانیان در زندان، حق تعلیم و آموزش‌های حرفه‌ای، حق ارتباط با فامیل و اقربا و وکیل و آگاهی دادن زندانی از حقوق اساسی‌اش، از جمله آن حقوق است.

قوانین افغانستان مخصوصاً قانون زندان‌های افغانستان حقوق برای زندانیان در نظر گرفته که اگر این حقوق از جانب نهادهای ذی‌ربط مراعات گردد، زندانیان مورد خشونت واقع نمی‌شوند. در عین حال ممکن است، این حقوق بر اثر آگاه نبودن زندانیان از این حقوق، از سوی نهادهای عدلی و مسئولین زندان نقض گردد، همان‌طور که در سال‌های اخیر از سوی برخی نهادهای مثل کمیسیون مستقل حقوق بشر و سازمان حقوق بشر ملل متحد در مورد خشونت بر زندان‌های افغانستان ارقام تکان‌دهنده‌ای انتشار یافته است. با این وصف این موضوع به‌عنوان یک «مسئله» ضرورت تحقیق پیرامون علل و عوامل خشونت در زندان‌های افغانستان را روشن ساخته و می‌طلبد که راه‌کارهای پیش‌گیری یا کاهش خشونت جستجو گردد. درباره «تحلیل جرم خشونت در زندان‌های افغانستان» تحقیق آن‌چنانی صورت نگرفته است، پژوهشی در کتاب «جزا شناسی» اثر روح‌الله اکبری، با تأکید به نظام جزایی افغانستان صورت گرفته



است؛ اما بیشتر از نگاه کیفی‌شناسی و در خصوص زندان‌های افغانستان از لحاظ کارکرد آن‌ها بحث شده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. خشونت

خشونت در لغت به معنای درشتی، درشت‌خویی، ستیزه‌جویی، ستیزه‌گیری، زبری، ضد لینت و نرمی. (ذاکر، ۱۹۵۷: ۳۱۶) سختی، تندی و تیزی، سخت‌روی، خشم و غضب؛ (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۹۳) اما در اصطلاح رفتاری است که با قصد و نیت آشکار، یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی و اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد. (هدایت‌الله، ۱۳۸۸: ۸۶) پرخاشگری، تحمیل اراده خود به دیگران، پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور، گفتار و رفتار آزاردهنده، حرکت قهرآمیز ناشی از اراده خاص «خشونت» گفته می‌شود. (امیری، ۱۳۹۶: ۱۲) هم‌چنین اعمال نیروی جسمانی، یا بدنی برای این‌که به شخص دیگری آزار و آسیب رسانده شود یا هر رفتاری که باعث درد، رنج و آسیب روحی، روانی و جسمی جانب مقابل گردد، خشونت است. (هانا، ۱۳۵۹: ۷۱)

### ۲-۱. جرم‌شناختی

جرم در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده و جرم‌شناسی شعبه‌ای از علوم اجتماعی است که درباره جرم و مجرم بحث می‌کند. (معین، ۱۳۸۶، ۱: ۵۲۹) جرم در اصطلاح حقوقی جرم عمل مثبت، یا منفی است که قانون آن را منع کرده و برای ارتکاب آن مجازاتی مقرر شده است. هرگاه مرتکب با قصد آن را انجام داده باشد، یا جرم عبارت است از عملی که مخالف اخلاق و عدالت باشد. (دانش ۱۳۸۱: ۱۳)

### ۱-۳. محبس (زندان)

حبس به معنای مانع‌شدن است و اسم مکان آن محبس بر وزن مقتل است که محل تطبیق آن است. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۷۹) محبس در لغت به معنای جای بازداشتن، جای بندی یا قید کردن، توقیف‌گاه و زندان (معین، ۱۳۸۶، ۲: ۱۶۴۲) آمده و در



اصطلاح جایی است که مجرم را در آن نگه می‌دارند؛ زیرا یکی از مجازات سلب‌کننده آزادی، مجازات حبس است که به تناسب جرم بالای محکوم‌علیه تطبیق می‌گردد. دانشمندان حقوق جزا در عصر حاضر بر این باورند که حبس افزون بر پیش‌گیری انفرادی آن، عامل اصلی اصلاح و تربیت مجرمین باشد. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۷۹) از نظر حقوق جزا معنای حبس عبارت است از «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین و نامحدود به طوری که در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد. اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند نه حبس»؛ زیرا شخص توقیف شده در این حالت انتظار فیصله محکمه را در مورد تعیین سرنوشت خود می‌کشد. (شامبیانی، ۱۳۸۹: ۳۸۲)

## ۲. مصادیق خشونت

خشونت به عنوان یک پدیده جرمی مصادیق گوناگونی دارد که به طور اختصار بررسی می‌شود:

### ۱-۲. خشونت جسمی

دانشمندان حقوق که تعریف از پدیده خشونت فیزیکی ارائه داده‌اند، به هر نوع رفتار خلاف قانون که آسیب آن متوجه تمامیت جسمانی بزه‌دیده گردد، خشونت جسمی اطلاق می‌کنند. خشونت جسمی همان چیزی است که همه ما به عنوان مصداق جرم و خشونت بودنش با هم تفاهم داریم؛ ضرب و شتم، مشت زدن، گاز گرفتن، سیلی زدن و اسیدپاشی. (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

### ۲-۲. خشونت روانی

هرگونه رفتار خشنی که سلامت روان فرد را در معرض خطر قرار می‌دهد، می‌تواند مصداق خشونت روانی باشد. وقتی فریاد زندانبان ضریبان قلب زندانیان را بالا می‌برد و استرس به جان آنان می‌اندازد، در این صورت زندانی‌ها مورد خشونت روانی قرار گرفته‌اند.



### ۲-۳. خشونت بیانی (گفتاری)

ما مکنونات ذهنی و قلبی خود را به دیگران از طریق رفتار ایجابی یا سلبی انتقال می‌دهیم که به آن بیان می‌گویند که ممکن است نحوه این انتقال به خشونت بیانی منجر شود. بسیاری از رفتارها با اینکه منجر به آسیب جسمی نیست، ولی پرخاشگرانه محسوب می‌شود؛ از جمله پرخاشگری کلامی، اعمال زور، میچ‌گیری، ارباب و نیز طرد اجتماعی عمدی دیگران، از مصادیق بارز پرخاشگری هستند و نباید تأثیر این رفتارها را در عزت نفس، وضعیت اجتماعی و شادی عوامل دریافت کننده، دست‌کم گرفت. (صالح آبادی، ۱۳۹۶: ۷)

### ۳. تاریخچه زندان‌ها در افغانستان

زندان یا محبس، به‌عنوان گونه‌ای از مجازات و اعمال شکنجه بالای افرادی که مرتکب ناهنجاری‌ها و رفتارهای ضد ارزش اجتماعی که جرم پنداشته می‌شده، از گذشته بسیار طولانی برخوردار است. در زمان‌های قدیم زندان‌ها، یا زندان‌ها وضع نابسامانی داشته است. معمولاً زندان‌ها در زیر قصرها یا در قلعه‌ها بنا می‌شد و جای تاریک و ناسالمی بود. زندانیان وضع تأثرانگیز داشته و بیشتری از زندانیان در زندان‌ها جان می‌باختند. (مظلومان، ۱۳۸۷: ۱۴۰) جزاها نیز با قساوت و شقاوت و بی‌رحمی تمام، اجرا می‌شده است؛ جزاهای مخالف کرامت انسانی مانند به چهارمیخ کشیدن، بریدن دست و پا، گوش و بینی، انداختن محکوم در آب جوش یا روغن داغ نمودن، زنده‌به‌گور کردن، سوزاندن، انداختن پیش حیوانات درنده، کور کردن و انواع شکنجه‌های بدنی رواج داشته است. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۹۰)

در اسلام نیز حقوق زندانیان از چهارده قرن پیش به رسمیت شناخته شده است؛ اما از نظر اسلام (زندان‌ها) توقیف‌خانه جایی است که هر محبوسی دوره محکومیت و توقیف تعیین شده خود را در محدوده بازپروری و اصلاحی همچون زندان‌ها قانونمند سپری می‌کند و هم از لحاظ روحی و روانی و هم از نگاه خصوصیات اخلاقی تحت تأثیر پروگرام‌های سازنده تربیتی قرار گرفته تا پس از ختم دوره محکومیت خود، نه

به‌عنوان مجرم و خلاف‌کار متکرر، بلکه به‌صورت فرد سالم و اصلاح‌شده به آغوش جامعه برگردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۹۸)

در باره این‌که اولین زندان در افغانستان در کدام زمان یا در تحت حاکمیت کدام شاه و امیری ایجاد شده است، اسناد مؤثقی وجود ندارد، اما با به وجود آمدن حکومت‌های شاهی مطلقه در مناطق معین، از طرف شاه زندان‌ها ایجاد شده است. در مجموع دانسته می‌شود که حکومت‌های مطلقه و شاهی که تا سال ۱۳۴۳ شمسی دوام آورد، پادشاهان صلاحیتی به زندان انداختن، تعیین میعاد حبس و رهایی تمام اتباع کشور را بدون محدودیت قانونی دارا بودند. البته در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی اولین نظام‌نامه توقیف خانه‌ها، حبس خانه‌ها نافذ گردید و شامل ۲۷ ماده بود که در ماده اول آن چنین تصریح شده بود: «در مرکز نائب‌الحکومه‌ها و حکومت‌های اعلی، حکومت‌های کلان حبس خانه‌ها و علاوه بر آن در دارالسلطنه کابل یک حبس خانه عمومی موجود است». (غبار، ۱۳۷۵: ۳۷)

در دوره محمد نادرشاه در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی دستور دیگری درباره زندان به نام «اصول نامه توقیف خانه‌ها و حبس خانه‌ها» نافذ گردید که به‌موجب مهر توشیحی شاهانه محمد نادرشاه اجازه انفاذ داده شد. مطابق حکم ماده سوم اصول نامه متذکره اشخاصی که تحت تحقیق هستند و هنوز حکم نهایی محکمه در موردشان صادر نشده در توقیف خانه‌ها نگه‌داری می‌شدند و اشخاصی که به حکم محکمه «محکوم‌علیه» قرار گرفته‌اند در زندان‌ها نگه‌داری می‌شدند. بعداً اصول نامه مذکور در سال ۱۳۲۶ هجری خورشیدی تعدیل شد؛ اما اصول نامه مذکور با یک سلسله اضافاتی که طی فرمان‌ها محمد ظاهرشاه صادر شده بود تا سال ۱۳۶۱ نافذ و مرعی‌الاجرا بود. (غبار، ۱۳۷۵: ۱۲۱)

بعد از طی چند دهه جنگ‌های متواتر در سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی، حکومت جدید به وجود آمد. در این دوره به زندان، زندانیان و امور زندان توجه صورت گرفته و در مرکز و ولایات زندان‌ها اعمار و بازسازی شد. برای رسیدگی به زندانیان، قوانینی وضع شد؛ از جمله «قانون رسیدگی به تخلفات اطفال» در سال ۱۳۸۳ هجری



شمسی، «قانون زندان‌ها و توقیف خانه‌ها» و «مقرره تنظیم امور زندان‌ها و توقیف خانه‌ها» در سال ۱۳۸۶ «قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال» در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی به اساس فرمان رئیس جمهور وقت «حامد کرزی» توشیح و نافذ گردید.

#### ۴. ساختار زندان‌ها در افغانستان

مطابق قانون زندان‌ها، ساختار مربوط به زندان‌های افغانستان را مؤلفه‌های زیر تشکیل داده است:

##### ۴-۱. اداره مرکزی

اداره مرکزی مطابق قانون زندان‌ها و توقیف خانه‌ها عبارت است از ریاست عمومی زندان‌ها که تمامی امور زندان‌ها و توقیف خانه را تنظیم و مدیریت می‌کند؛ اما از نظر تشکیلاتی در چوکات وزارت عدلیه بوده و مدیریت آن مطابق قانون زندان‌ها و هدایات شورای عالی زندان‌ها انجام می‌پذیرد. (پیرزاده غزنوی، ۱۳۹۲: ۲۳۰)

##### ۴-۲. اداره غیر مرکزی

بر اساس حکم قانون زندان‌ها، افزون بر اداره مرکزی، در مرکز هر ولایت یک محبس و توقیف خانه تأسیس گردد که هرکدام دارای دو تعمیر جداگانه برای زنان و مردان داشته باشد. هم‌چنین در مرکز هر ولسوالی نیز توقیف خانه، با تفکیک جنسیتی ایجاد گردد. (قانون زندان‌ها، ۱۲)

##### ۳-۳. شورای عالی زندان‌ها

مطابق قانون زندان‌ها و توقیف خانه‌ها، شورای عالی زندان‌ها یک سازمان تشکیلاتی است که به منظور تنظیم فعالیت‌های زندان‌ها و مدیریت و هماهنگ‌سازی ادارات و وزارت خانه‌های ذی‌ربط به وجود می‌آید. اعضای شورای عالی زندان‌ها عبارتند از: ۱- وزیر عدلیه به حیث رئیس ۲- معاون لوی سارنوال معاون. ۳- نماینده‌ای با صلاحیت ستره محکمه عضو. ۴- معین وزارت امور داخله عضو. ۵- معین وزارت صحت عضو. ۶- معین وزارت معارف عضو. ۷- معین وزارت کار و امور اجتماعی عضو. ۸- معین وزارت امور زنان عضو. ۹- معاون ریاست عمومی امنیت ملی

ب عضو. ۱۰- نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر عضو. ۱۱- یک نماینده از جامعه مدنی به تشخیص وزیر عدلیه به حیث عضو. ۱۲- رئیس عمومی زندان‌ها و توقیف خانه‌ها به حیث منشی». (قانون زندان‌ها، ۱۲)

## ۵. عوامل خشونت در زندان‌های افغانستان

### ۱-۵. عوامل عمومی (بدون تفکیک جنسیتی و سنی)

در این مبحث از عوامل عمومی تأثیرگذار در تحقق خشونت در زندان‌های افغانستان مانند حاکمیت فرهنگ خشونت، عدم حاکمیت قانون، عدم آگاهی مسئولین مربوطه از حقوق زندانیان، ضعف مدیریت نظارتی در زندان‌ها، برخی از رفتارهای نابهنجار زندانیان و فساد اداری، بحث می‌شود.

الف. حاکمیت فرهنگ خشونت: یکی از مهم‌ترین عامل برای این‌که زندانیان در محیط زندان مورد خشونت واقع می‌شوند، فرهنگ عمومی و خشن حاکم در فضای زندان‌ها است. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۳) با توجه به ساختار فرهنگی هر جامعه‌ای، زمانی از فرهنگ خشونت نام برده می‌شود که افراد چنان تحت تأثیر قرار گرفته باشند (آسیب‌دیده باشند) که توانایی‌های جسمی و روحی خود را کم‌تر از قابلیت‌های واقعی به حساب آورند؛ یعنی خودشان را کوچک و حقیر به حساب آورند.

ب. عدم حاکمیت قانون: یکی دیگر از عوامل عمومی تأثیرگذار در تحقق خشونت علیه زندانیان در زندان‌های افغانستان، عدم حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون را می‌توان چنین تعریف کرد: «وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه». حاکمیت قانون دارای دو وجه ذیل است:

۱. این‌که شهروندان در سطحی قرار بگیرند که تمکین از قانون به ویژگی فرهنگی‌شان تبدیل شود...

۲. این‌که مراجع و ارگان‌های تطبیق و نظارت بر تطبیق قانون به وجه احسن، در جامعه پایه‌ریزی شوند تا تخلفات احتمالی از قانون را مهار ساخته و جنبه عینی





حاکمیت قانون را در جامعه به نمایش بگذارند. (صلاحی، ۱۳۹۵: ۳۹۷)

ج. عدم آگاهی از حقوق زندانیان: عامل دیگری که در کنار سائری عوامل خشونت علیه زندانیان سهمی زیادی دارد، عدم آگاهی زندانیان از حقوقشان در زندان و عدم آگاهی بسیاری از مسئولین مربوطه نسبت به حقوق زندانیان است. البته مسئله عدم آگاهی مردم در افغانستان از حقوق قانونی‌شان فراگیر و تقریباً اکثریت قریب به اتفاق از شهروندان را در بر می‌گیرد؛ زیرا پایین بودن سطح آگاهی مردم از قانون سبب شده تا مردم از حقوق اساسی خود بی‌خبر بمانند. (آریانا نیوز، ۱۳۹۷)

## ۲-۵. عوامل انفرادی

این سیستم برای اولین بار در سال ۱۷۷۹ از طرف بنیامین فرانکلین معروف، در ایالت پنسلوانیای امریکا پیشنهاد و به اجرا گذاشته شده (صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۸۱) و به همین جهت آن را سیستم پنسلوانیا نیز می‌گویند. در این سیستم زندانیان در سلول‌های انفرادی زندگی می‌کنند. اینان در تمام مدت اجرای مجازات، شب و روز از یکدیگر جدا هستند، هرچند که این سیستم هم مفاسد و معایب نیز دارد که می‌توان آن را یک نوع رفتار خشونت روحی عنوان نمود. به‌طور مشخص در این سیستم انفرادی تجرد و تنهایی خود باعث اختلالات روانی، نابسامانی و به جنون کشیده شدن افراد زندانی شده است؛ اما عوامل انفرادی خشونت در زندان‌ها موارد ذیل می‌تواند باشد:

الف. برخی از رفتارهای ناهنجار زندانیان: در بسیاری از موارد رفتارهای غیرقانونی و ضد هنجاری که از ناحیه مجرمین محبوس ارتکاب می‌یابد، عامل تحقق رفتارهای خشونت‌آمیز در محیط زندان می‌گردد.

ب. فساد اداری: بدون شک یکی از عوامل به‌شدت تأثیرگذار در اعمال خشونت علیه زندانیان در زندان‌های افغانستان، مسئله فساد اداری است. البته بحث فساد اداری در افغانستان، متأسفانه محدود به یک اداره نمی‌شود، بلکه تقریباً فراگیر است. موجودیت فساد اداری در نهادهای عدلی و قضایی افغانستان یکی از نگرانی‌های عمده شهروندان این کشور به‌شمار می‌رود. (ملل متحد، ۲۰۲۱: ۳)

### ۳-۵. عوامل خشونت علیه زندانیان زن

الف. عوامل خشونت در زندان‌ها زنان: زنان جمعیت نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند، ولی از جمله قشرهای آسیب‌پذیر جامعه نیز هستند و به همین علت است که شاهد بسیاری از معاهدات بین‌المللی و میثاق‌های بین‌المللی در مورد حقوق زنان و حمایت از این قشر هستیم. در افغانستان با وجود این که بسیاری از معاهدات و میثاق‌های در مورد حمایت از حقوق زنان توسط دولت افغانستان در گذشته‌ها و حال امضا شده است؛ اما این آسیب‌پذیری نسبت به زنان به بالاترین درجه آن مشاهده می‌شود. چون در این کشور زنان در افکار عمومی تقریباً انسان‌های درجه دوم به حساب می‌آیند. از تعلیم آن‌چنانی که باید بهره‌مند شوند، دور می‌مانند و افزون بر این از خشونت‌های خانوادگی و تبعیض جنسیتی نیز رنج می‌برند. (ملل متحد، ۲۰۲۱: ۱۱) وقتی زنان وارد زندان‌ها می‌شوند، وضعیت زندان علیه آنان خشونت‌بارتر و عوامل خشونت علیه آنان مضاعف می‌شود.

ب. فرهنگ مردسالاری: فرهنگ مردسالاری در جامعه افغانستانی و به گونه‌ای خاص در زندان‌ها این کشور از عوامل عمده خشونت به حساب می‌آید. (اطلاعات روز، ۱۳۹۷) فرهنگ و سنت مردسالار، فرهنگی است که مرد را در مناسبات اجتماعی، خانواده و قوانین دارای حق بیشتر نسبت به زن می‌داند و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردسالاری را بر زنان تحمیل می‌کند. بنیاد فرهنگ مردسالار، سلطه‌گری مردانه است که در شدیدترین وجه آن، مرد حق مالکیت بر زن را دارد. (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۷)

ج. تبعیض جنسیتی: تبعیض جنسیتی، جنسیت زدگی به معنای هرگونه پیش‌داوری، یا تبعیض بر اساس جنسیت، یا جنس فرد است. این مفهوم هم‌چنین می‌تواند در اشاره به نفرت، یا بدگمانی نسبت به یک جنس - زن‌ستیزی، یا مرد‌ستیزی - یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. تبعیض جنسی به‌طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرودست کردن زنان و دختران به کار رفته است. پیامد تبعیض جنسیتی می‌تواند به گونه‌های آزار جنسی، تجاوز جنسی، یا



انواع خشونت جنسی خود را در جامعه نشان دهد. (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۷)

## ۶. شکنجه زندانیان در حکومت‌های مختلف

بدرفتاری‌ها و شکنجه‌های مختلف و دل‌خراش در افغانستان پیشینه طولانی دارد و تقریباً تمام حکومت‌ها و گروه‌های مسلح، مخالفین خویش را در زندان‌های دولتی و شخصی، نظارت‌خانه‌ها و حتی در محضر عام مورد شکنجه قرار می‌دادند که بر اساس گزارش‌ها از سال‌های ۱۳۵۷ش. به بعد تا حدی بیشتر بوده که به مواردی اشاره می‌شود:

### ۱-۶. در زمان رژیم کمونیستی

در زمان رژیم کمونیستی در جریان سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ش. هزاران تن را با نام‌های اخوانی، اشرار، ضدانقلاب و غیره از سوی اداره آگسایا سازمان اطلاعاتی کمونیستی و اداره خاد دست‌گیر و در زندان‌ها شکنجه کردند که بیشتر آن‌ها زیر شکنجه جان خود را از دست دادند. لیست ۵۰۰۰ تن آن‌ها در ماه سپتامبر ۲۰۱۳م. توسط حکومت هلند به نشر رسید. یک سارنوال که تحقیق بی طرفانه انجام داده، گفته است که لیست ۱۲۰۰۰ دیگر نیز به نشر خواهد رسید. کمونیست‌ها در این شکنجه‌ها از قبیل دم برق دادن زندانیان، شکستن استخوان‌ها، بی‌خوابی، ندادن غذا و آب و شکنجه روانی، کشیدن ناخن، بستن دروازه بالای انگشتان زندانیان و غیره استفاده می‌کردند. (یونما کمیشنری ملل متحد، ۲۰۱۱: ۳۶)

### ۲-۶. در زمان حکومت مجاهدین

در زمان مجاهدین، به خصوص در زمان جنگ‌های داخلی و جنگ‌های تنظیمی، گروه‌های درگیر در جنگ، افراد و گروه‌های مخالف را در خلأ قانون شدیداً شکنجه می‌کردند و در این مورد هیچ حد و مرزی نداشتند. هر گروه از خود زندان‌های شخصی و مکان‌های مشخصی برای شکنجه نیز داشتند. در میان انواع شکنجه‌های شنیع می‌توان از لت و کوب شدید، کشیدن ناخن، بریدن اعضای بدن و غیره یاد کرد. (کمیشنری عالی حقوق بشر، ۲۰۱۱: ۳۷)

### ۳-۶. در زمان حکومت جمهوری

پس از سال ۲۰۰۱ و روی کار آمدن حکومت سرتاسری در افغانستان که داد از حقوق بشر و تطبیق قوانین زده می‌شد، نیز این شکنجه‌ها ادامه یافت. هرچند ماده ۲۹ قانون اساسی افغانستان تصریح می‌کند که «تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری، یا توقیف یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند، یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است». علاوه بر این قانون جزای افغانستان در بند اول ماده ۲۷۵ نیز می‌نگارد که «هرگاه موظف خدمات عامه، متهم را به منظور گرفتن اعتراف، شکنجه نماید و یا به آن امر نماید، به حبس طویل محکوم می‌گردد». (قانون اجراءات افغانستان، ۲۷۵) ولی از آنجاکه در طول یک‌ونیم دهه گذشته حکومت به دلایل گوناگون در تطبیق قوانین تا حدی زیادی ناکام ماند، مشاهده نشده که مرتکب شکنجه مورد پیگیری قضایی قرار گرفته باشد یا حتی از وظیفه‌اش برکنار شده باشد.

### ۷. پیشگیری از خشونت در زندان‌های افغانستان

#### ۱-۷. راهکارهای آموزشی

برای جلوگیری از خشونت در زندان‌های افغانستان، روی راهکارهای تحقیق صورت می‌گیرد که از طریق آموزش و آگاهی دهی، بالا بردن سطح آگاهی حقوقی زندانیان، مأمورین و سایر افراد دخیل در امور زندان‌ها به دست می‌آید:

الف. آگاهی دهی زندانیان از حقوقشان: نخستین اقدامی که می‌تواند حداقل در کاهش خشونت در زندان‌های افغانستان مؤثر باشد، آگاه شدن زندانیان از حقوق قانونی‌شان است. در صورت عدم آگاهی لازم، زندانیان به نحوی تن به خشونت در زندان‌ها می‌دهند؛ زیرا آن‌ها گمان می‌کنند که بسیاری از رفتارهای خشن که از سوی عاملان آن در زندان‌ها ارتکاب می‌یابد، رفتارهای طبیعی علیه زندانیان و مستلزم در محبس بودن است. آنچه این ذهنیت را برای زندانیان و نیز زندانبانان و سایر افراد



ذی‌دخل ایجاد می‌کند، برداشت عمومی و باور عامه (با توجه به گذشته‌های بسیار بدی که در زندان‌های افغانستان حاکم بوده است) از زندان و وضعیت زندانی شدن است. چه اینکه به باور عامه مردم افغانستان، زندان یعنی مکانی برای آزار دیدن، زجر روانی و روحی کشیدن، گرسنه ماندن، به اثر رطوبت اتاق‌های زندان و حتی ضرب و شتم دیدن معیوب شدن.

بر اساس قانون زندان‌ها، زندانیان در جریان سپری کردن حبس در زندان‌ها دارای حقوق ذیل هستند:

- ۱- حق کار: هر زندانی حق دارد که داخل زندان کار کند تا زمینه درآمد در زندان برایش فراهم شود.
- ۲- حق تعلیم و تربیت و آموزش‌های حرفه‌ای: زندانیان حق دارند که در داخل زندان تعلیم یابند.
- ۳- حق استفاده از خدمات صحتی.
- ۴- حق ارتباط با فامیل.
- ۵- حق اجرای مناسک دینی.
- ۶- حق مفاهمه ضروری در حالات خاص.
- ۷- حق استفاده از رخصتی. (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۲)

ب. آگاهی دهی مسئولین زندان از حقوق زندانیان: آنچه درباره آگاهی دهی زندانیان از حقوقشان، تبیین شد زمانی تأثیرگذاری بیشتر دارد که در جانب مقابل، مسئولین نیز از حقوق زندانیان آگاهی داشته باشند. البته در این بخش باید یادآور شد که مسئولین عالی‌رتبه، یقیناً از قانون و حقوق نسبت به زندانیان، اطلاع کافی دارند؛ اما برخی از سربازان و مأمورین پایین‌رتبه که بر اساس وظیفه، بیشتر با زندانیان سروکار دارند حتی سواد خواندن قانون را هم ندارند، چه رسد به فهم محتوا آن. از این رو بسیاری از زندانبان‌ها خود را مجاز به اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز می‌دانند و موظفینی بسیاری با توجه به همین ذهنیت از انجام وظایف محوله خود سرباز می‌زنند؛ زیرا خود را در برابر قانون نسبت به زندانیان مسئول نمی‌دانند و این سهل‌انگاری و عدم تعهد به وظیفه، برای زندانیان بسیاری از خشونت‌ها را به همراه می‌آورد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مصاحبه‌ای که با زندانیان داشته است، از نقض حقوق بشری زندانیان در زندان‌های افغانستان خبر داده است. بر اساس این گزارش زندانیان در زندان‌های این کشور با نقض حقوق بشری‌شان روبرو هستند.

به گفته این کمیسیون، این گزارش با مصاحبه با ۹۲۱ زندانی مرد، زن و کودک تهیه شده که از میان این تعداد، ۵۱۰ نفر آنان از موارد مختلف نقض حقوق بشری خود شکایت کرده‌اند. زندانیانی که در این گزارش با آنان مصاحبه شده است، ۶۵۰ تن آنان مرد، ۱۳۵ تن آنان زن و ۱۳۶ تن کودک هستند. این زندانیان از موارد مختلف شکایت کرده‌اند. از این تعداد زندانی، ۳۹۲ تن از نقض حقوقشان، ۱۴ مورد شکنجه و بدرفتاری، ۳۲۹ مورد نقض حقوق بشری، شکایت کرده‌اند. علاوه بر این شکایت ۱۵۴ تن زندانی از بی‌سرنوشتی خود و محبوس بودن یک تعداد از زندانیان با وجود پایان یافتن و تکمیل مدت زمان حبسشان، فشرده این گزارش را تشکیل می‌دهد. (حقوق بشر، ۲۰۱۹: ۲)

یکی از حقوق زندانیان، زمینه مساعد برای اشتغال آن‌ها به کار است. تأکید قانون بر اشتغال زندانیان به کار روی هدف اصلاح و تربیت مجدد زندانیان استوار بوده و در ضمن مشغول نگه داشتن زندانیان به کار باید وسیله اصلاح و تربیت و عادت دادنشان به زندگی عادی اجتماعی باشد. (قانون زندان‌ها، ۲۸)

ج. آگاهی دهی زندانیان از حقوق آنان در اسناد بین‌المللی: در قوانین بین‌المللی به مواردی چون برخورداری زندانیان از حقوق بشری، عدم تبعیض بین زندانیان، احترام به عقاید دینی و مذهبی زندانیان و فراهم ساختن زمینه برای ادای مراسم دینی و مذهبی، نگهداری جداگانه گروه‌های متفاوت زندانیان (نگهداری جداگانه متهمان از محکومان و نگهداری جداگانه بزرگسالان از جوانان)، رعایت اصول صحتی و بهداشتی از سوی ادارات زندان‌ها و دسترسی به خدمات صحتی داخل و بیرون از زندان، (امانی و داورپناه، ۱۳۹۹: ۲۶) دسترسی به غذا و آب آشامیدنی صحتی، دسترسی به مکان مناسب و کافی در زندان‌ها، دسترسی به مکان‌های تفریحی و ورزشی در زندان‌ها، تماس با محیط خارج از زندان و بستگان به شکل مناسب، دسترسی به برنامه‌های آموزشی و کتابخانه در داخل زندان، این‌که کارمندان زندان باید افراد و اشخاص آموزش دیده در امور زندانبانی بوده و رفتار درست برخورد با زندانیان را بدانند، به‌عنوان حقوق زندانی تأکید زیاد شده است؛ (صلاحی، ۱۳۹۲:



۱۱۹) اما در افغانستان به دلیل عدم آگاهی زندانیان و عوامل انسانی زندان‌ها این موارد، به صورت مناسب رعایت نمی‌شود.

## ۲-۷. راهکارهای غیر آموزشی

الف. حاکمیت قانون: یکی از مهم‌ترین عامل زدودن انواع خشونت از زندان‌های افغانستان، آوردن حاکمیت قانون است. در سایه حاکمیت قانون است که عدالت رعایت و حقوق قانونی زندانیان اجرا می‌گردد. هر مسئولی و موظفی در امور زندان‌ها به وظیفه قانونی خود به نیکوترین وجه می‌پردازد و لذا به شکایات زندانیان رسیدگی می‌شود.

ب. تقویت نهاد رسیدگی به شکایات زندانیان: یکی از مهم‌ترین منبع که باعث اطلاع مسئولین ذی‌ربط از وقوع جرم و خشونت در زندان‌ها می‌گردد، رسیدگی به شکایات زندانیان است. از این رو باید نهاد رسیدگی به شکایات زندانیان تقویت گردد، ظرفیت آن توسعه یابد، افراد متعهد و صادق که عاری از فساد تعصب و فرومایگی هستند در این نهاد گمارده شوند و از هر نوع روابط در استخدام این‌گونه افراد که باعث تقدم ضوابط می‌گردد، خودداری شود. (صالحی، ۱۳۹۷)

## نتیجه‌گیری

قلمرو این تحقیق، بخش جزایی است نه امور مدنی. لذا از حقوق زندانیان با رویکرد جزایی بحث شده و تنها قوانین داخلی کشور مخصوصاً قانون زندان‌های افغانستان، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج ذیل به دست آمده است:

۱. خشونت شامل خشونت‌های، جسمی، روانی و گفتاری، می‌شود و این مصادیق در زندان‌های افغانستان در دوران حکومت‌های گوناگون به وفور مشاهده شده است.
۲. از عوامل خشونت در زندان می‌توان ناآگاهی زندانی از حقوق خودش و اقرارش نام برد؛ یعنی اکثر کسانی که زندان می‌روند، اصلاً خبر ندارند که حکومت در زمینه رفتار با زندانیان و حقوق و کرامتشان قانون دارد. لذا نمی‌توانند از حقوق اساسی خود در داخل زندان دفاع نمایند و در دست افراد موظف در زندان، مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند.

۳. گاهی ضعف مدیریت مسئولین زندان نیز بستر رواج خشونت در زندان است؛ زیرا در مدیریت زندان‌ها انسان‌های مسلکی و صاحب تخصص و فن را می‌طلبند تا طبق اصول و قوانین امور زندان و زندانیان را مدیریت کنند.

۴. آگاهی دهی زندانی از حقوق قانونی‌اش مثل حق کار، حق تعلیم و تربیت، حق استفاده از خدمات، حق ارتباط با فامیل و سایر حقوق مندرج در قانون می‌تواند، گراف خشونت را پایین بیاورد. همچنین آگاهی دهی مسئولین ذی‌ربط نسبت به این حقوق، تعلیم آن‌ها به شکل مسلکی، فراگیری متدهای اداره زندان به شکل مسلکی می‌تواند کمک به این مهم برساند. وضع ضمانت اجرایی برای رعایت حقوق زندانیان، آوردن حاکمیت قانون، مبارزه با فساد اداری تقویت نهاد رسیدگی به شکایات زندانیان و بهبود وضعیت کمیته نظارت در زندان از مهم‌ترین راه‌کارها برای پیشگیری از خشونت در زندان، یا کاهش خشونت در زندان‌های افغانستان به نظر می‌رسد.

۵. خشونت به‌عنوان یک پدیده مذبوم در زندان‌های افغانستان، یکی از مشکلات کشور به حساب می‌آید؛ زیرا محبس به‌عنوان یک مرکز اصلاح و تربیت با وجود خشونت نتوانسته به آن هدف خود برسد. خشونت روند اصلاح و تربیت که مهم‌ترین هدف و مقصد زندان است، تخریب کرده و نمی‌گذارد این فرایند در جامعه مؤثر واقع شود. برای مبارزه با این پدیده شوم و ویرانگر بازنگری قوانین برای شناخت انواع خشونت در زندان و شناخت حقوق زندانیان یک راهکار است. گرچه در یک دهه اخیر در کشور شاهد تصویب قوانین نسبتاً خوبی بودیم که درباره اداره زندان، اهداف زندان رفتار با زندانی‌ها و... راهکارها و مکانیزم‌هایی را بیان ارائه کرده است، ولی این کافی نبوده و تلاش و توجه بیشتری را می‌طلبد.



## فهرست منابع

۱. احمدی ابهری، محمدعلی، (۱۳۸۸) اسلام و دفاع اجتماعی، ق: بی‌نا.
۲. اکبری، روح‌الله، (۱۳۹۷) زندان و بازپروری مجرم، نشر واژه، کابل.
۳. پیرزاده، ابوذر، غزنوی، (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی افغانستان معاصر و جمهوریت داود خان، تهران: نشر احسان.
۴. دانش، تاج‌زمان، (۱۳۸۱)، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست، تهران: بی‌نا.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ذاکر، محمدباقر، (۱۹۵۶)، فرهنگ عربی به فارسی، لاهور: دانشگاه پنجاب.
۷. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر مجد.
۸. صالح‌آبادی، مژگان، (۱۳۹۶) بررسی نقش اراده در عنصر روانی جرم، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۹. صالحی، فرشته، مؤذن زادگان، حسین‌علی، (۱۳۹۷)، پیشگیری از خشونت علیه زنان، مقاله نشریه: مطالعات پیشگیری از جرم، تابستان، ۴۷۰.
۱۰. صلاحی، جاوید، (۱۳۹۲) کیفر‌شناسی، تهران: نشر میزان.
۱۱. غبار، غلام‌محمد، (۱۳۷۵)، افغانستان در مسیر تاریخ، قم: نشر احسان.
۱۲. مظلومان، رضا، (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی کیفری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۳. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادنا.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر موضوعی پیام قرآن، قم: مدرسه امام علی ابن ابی‌طالب.
۱۵. میرخلیلی، محمود، (۱۳۸۵) «بزه‌دیدہ‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام»، فقه و حقوق،



۱۶. هانا، آرت، (۱۳۵۹) خشونت، (ترجمه: عزت‌الله فولادوند)، تهران: خوارزمی.

### ج. قوانین روزنامه‌ها و گزارش‌ها

۱۷. قانون زندان‌ها و توقیف خانه‌های افغانستان، مصوب ۱۳۸۶ ش

۱۸. قانون اجراءات افغانستان.

۱۹. گزارش یونما کمیشنری ملل متحد، ۲۰۱۱

۲۰. روزنامه اطلاعات روز.

۲۱. آریانا نیوز.

۹۶



۱۴۰۲ زمستان و خزان



شماره ششم



سال سوم



دوفصلنامه یافته‌های جرم‌شناسی

